





واحد تهران جنوب

دانشکده ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی و تحلیل سیمای عیاران با رویکردی به کتاب

امیرارسلان نامدار

استاد راهنما:

دکتر فاطمه توکلی رستمی

استاد مشاور:

دکتر علی اصغر بوند شهریاری

نگارش:

مریم خدارحمی

بهمن ۱۳۹۰

**تقدیر به :**

# **پدر و مادر**

**که خدمتی به سزا نیامد از دست**

«گر شکر شوم، شکر تو نتوانم گفت      ور عذر شوم، عذر تو نتوانم خواست»

با سپاس از کردگار یگانه که توفیق خدمتم بخشید و به خواندن و نوشتن رهنمونم گردانید.

وبا «اعتماد به سعت اخلاق بزرگان که چشم از عوایب زیردستان بپوشند و در افشای جرائم کهتران نکوشند» بر خود لازم می دانم از تمام عزیزانی که در این امر یاری ام نمودند سپاس گزاری نمایم:

سرکار خانم فاطمه توکلی که همواره راهنما و مشوق شاگرد کمترین خود در راه علم و زندگی بودند. جناب آقای شهریاری، مدیر محترم گروه سرکارخانم پیامی، دوست مهربان و همیشگی ام جناب آقای روستایی که علی رغم داشتن مشغله های شخصی صبورانه و گام به گام همراهی ام نمود و زحمت تایپ را نیز بر عهده گرفت. در پایان ناب ترین سپاس ها را به خانواده عزیزم که همواره در راه آموختن دانش حامی و مشوقم بوده اند تقدیم می کنم.

«بماند سال ها این نظم و ترتیب      ز ما هر ذره خاک افتاده جایی

غرض نقشی است که از ماباز ماند      که هستی را نمی بینم بقایی

مگر صاحبدلی روزی به رحمت      کند در کار درویشان دعایی»

## چکیده:

«عیاران» یکی از عناصر ثابت و شکل دهنده به فضای سنتی داستان های عامیانه هستند که - بدون هیچ تردیدی بخش قابل توجهی از ادبیات فولکلوریک ما را به خود اختصاص داده اند - آنگاه که این گونه از قصه ها و داستان ها علاوه بر دارا بودن مضامین حماسی - شوالیه ای، با ماجراجویی های عاشقانه همراه باشند «رمانس» خوانده می شوند. از آنجا که این دو ویژگی در همه داستان هایی از این دست ثابت است، در این پایان نامه به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت و نمود بسیار «عیاران» در این گونه از داستان ها، فصل هایی را به آشنایی با تاریخچه و سیمای ظاهری و باطنی آنها اختصاص داده، به تحلیل کمی و کیفی حضور ایشان در داستان ها پرداختم. در ادامه، داستان «امیرارسلان نامدار» به عنوان معروفترین رمانس عامیانه فارسی معرفی می گردد و اسباب حضور متفاوت جوانمردان در این داستان - که بیانیه ای بر ختم داستان های عامیانه به سبب انحطاط عیاران می باشد - تشریح می گردد. در پایان نیز با بررسی عناصر داستانی امیرارسلان؛ دلایل شهرت، محبوبیت و تمایز آن با سایر داستان های پیش از خود به نمایش گذاشته می شود.

واژگان کلیدی: عیاران، داستان های عامیانه، امیرارسلان، عناصر داستانی.

## فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

کلیات:.....۱

مقدمه ..... ۱

تعریف مسأله ..... ۳

سوالات تحقیق ..... ۴

فرضیات ..... ۵

پیشینه تحقیق ..... ۵

روش تحقیق ..... ۷

فصل اول: تاریخچه آیین عیاری.....۸

۱-۱ معنای لغوی عیار ..... ۹

۱-۲ معنای اصطلاحی عیار ..... ۱۰

۱-۳ تاریخ ظهور عیاران ..... ۱۱

۱-۴ ایران، خاستگاه عیاران ..... ۱۲

۱-۴-۱ پیوند آیین مهر و عیاری..... ۱۲

۱-۴-۲ لباس مخصوص عیاران..... ۱۳

۱-۴-۳ غریب نوازی عیاران و ارتباط آن با آیین های ایران باستان..... ۱۳

۱-۴-۴ سوگند یاد کردن عیاران..... ۱۴

۱-۴-۵ مبارزه در جهان بینی ایران باستان..... ۱۳

۱-۴-۶ اشاره به اعمال عیاران در متون کهن فارسی..... ۱۴

۵-۱ علل پیدایش نهضت عیاری ..... ۱۴

۶-۱ پیوند فتوت و تصوف ..... ۱۶

۱-۶-۱ فتوت و عیاری..... ۱۶

۱-۶-۲ تأثیر فتوت و تصوف بر یکدیگر..... ۱۷

۱-۶-۳ دیگر اختلاف ها و شباهت های فتوت و تصوف..... ۱۸

۷-۱ چهره های فنناپذیر فتیان و عیاران دلاور ایران ..... ۱۸

## فصل دوم: بررسی سیمای عیاران..... ۲۱

۱-۲ مرامنامه اخلاقی عیاران ..... ۲۲

۲-۲ آیین پیوستن به عیاران ..... ۲۷

۳-۲ پوشش عیاران ..... ۲۷

۴-۲ سلاح عیاران ..... ۳۰

۵-۲ حيله های عیاری ..... ۳۱

۶-۲ جنگجویی عیاران ..... ۳۴

۷-۲ اشکال مختلف عیاری ..... ۳۵

## فصل سوم: پیوند آیین عیّاری با فرهنگ عامیانه.....۴۶.

۳-۱ آیین عیّاری و داستان های عامیانه فارسی ..... ۴۷

۳-۲ سیری در تقسیم بندی انواع داستان های عامیانه فارسی ..... ۵۱

۳-۳ ویژگی های رمانس عامیانه فارسی ..... ۵۴

۳-۴ امیرارسلان، مظهر داستان های عامیانه فارسی ..... ۵۵

۳-۴-۱ نقیب الممالک کیست؟ ..... ۵۵

۳-۴-۲ چگونگی پیدایش داستان امیر ارسلان..... ۵۶

۳-۴-۳ سرچشمه ها و پیشینه داستان امیر ارسلان..... ۵۷

۳-۴-۴ خلاصه ای از داستان امیر ارسلان..... ۵۸

۳-۴-۵ بازتاب عیّاری در داستان امیرارسلان..... ۵۹

## فصل چهارم: بررسی عناصر داستانی امیرارسلان.....۶۱.

۴-۱ متن مورد استناد تحقیق ..... ۶۲

۴-۲ بررسی عناصر داستانی امیرارسلان ..... ۶۳

۴-۲-۱ پیرنگ ..... ۶۴

۴-۲-۱-۱ پیرنگ کلی داستان..... ۶۵

۴-۲-۲ شخصیت پردازی..... ۶۷

۴-۲-۲-۱ بررسی نقاط قوت و ضعف شخصیت پردازی امیرارسلان..... ۶۹



- ۷۱ ..... ۳-۲-۴ حقیقت ماندی.
- ۷۳ ..... ۴-۲-۴ مضمون یا درون مایه.
- ۷۴ ..... ۵-۲-۴ موضوع.
- ۷۵ ..... ۶-۲-۴ زاویه دید.
- ۷۷ ..... ۷-۲-۴ صحنه و صحنه پردازی.
- ۷۹ ..... ۸-۲-۴ گفتگو.
- ۸۰ ..... ۹-۲-۴ سبک یا شیوه نگارش.
- ۸۱ ..... ۱۰-۲-۴ لحن و لحن پردازی.
- ۸۱ ..... ۱-۱۰-۲-۴ دشنام ها.
- ۸۲ ..... ۲-۱۰-۲-۴ سوگندها.
- ۸۳ ..... ۳-۱۰-۲-۴ ضرب المثل ها.
- ۸۳ ..... ۴-۱۰-۲-۴ استفاده از مفردات و ترکیبات رایج مردم.
- ۸۳ ..... ۵-۱۰-۲-۴ بیان مقصود با جمله های کوتاه.
- ۸۴ ..... ۶-۱۰-۲-۴ استفاده از تکیه کلام ها و شیوه های نقالی.
- ۸۴ ..... ۱۱-۲-۴ فضا و رنگ.
- ۸۵ ..... ۱۱-۲-۴-۱۱-۱ صنایع توصیف گر زمان.
- ۸۵ ..... ۱-۱۱-۲-۴ در وصف آغاز صبح و طلوع خورشید.
- ۸۵ ..... ۲-۱۱-۲-۴-۱ وصف آغاز شب و غروب خورشید.

- ۸۵.....۲-۱۱-۲-۴ صنایع توصیف گر مکان.
- ۸۶.....۳-۱۱-۲-۴ صنایع توصیفگر شخصیت.
- ۸۷.....۱-۳-۱۱-۲-۴ وصف ظاهر پهلوانان.
- ۸۷.....۲-۳-۱۱-۲-۴ وصف عفریت و موجودات غیرانسانی.
- ۸۸.....۳-۳-۱۱-۲-۴ وصف معشوق.
- ۸۸.....۴-۱۱-۲-۴ صنایع توصیف گر کنش ها و رخدادها.
- ۸۸.....۱-۴-۱۱-۲-۴ وصف بیداری صبحگاهی و آماده شدن برای رزم و بزم.
- ۸۹.....۲-۴-۱۱-۲-۴ صنایع توصیفگر نبرد.
- ۹۰.....۵-۱۱-۲-۴ صنایع توصیفگر حالات.
- ۹۰.....۱-۵-۱۱-۲-۴ صنایع توصیفگر شادی.
- ۹۱.....۲-۵-۱۱-۲-۴ صنایع توصیفگر اندوه.
- ۹۱.....۳-۵-۱۱-۲-۴ صنایع توصیفگر خشم و عصبانیت.
- ۹۲.....نتیجه گیری
- ۹۵.....منابع و مآخذ

## مقدمه:

ادامهٔ انسانیت در فضای تاریخ همواره محتاج به رسالت های مستمر بوده است و به تبع این نیاز رسالتهایی عالی و همه جانبه به طور فراوان در تاریخ بشری بروز کرده است که توانسته انسانیت را از خلاصه شدن در سود و زیان هایی حیوانی نجات دهد.

**عیاری** یکی از این رسالت هاست که به همراه پدیده های مشابه خود در هر عصری، نوعی عصیان علیه ظلم و ستم و تمایزات اجتماعی به شمار میرفته است. آیین عیاری بخش قابل توجهی از فرهنگ و ادبیات، سیاست و تاریخ کشورمان را با همه اجزاء و متعلقاتش تحت تأثیر قرار داده است. آرمانی که همواره ریشه در رگ و پی اجتماع هر عصر زده و به اشکال گوناگون خود را نمایان کرده است.

عیاران انسان های آزاده، بنیادگوار و شرافتمندی بودند که در ادوار پر آشوب و به هنگام فترت ها و انتقال قدرت ها و انحطاط و تغییر حکومت، مردم بیناه سرزمین خود را از گزند انواع تجاوزات محفوظ داشتند و با تعمیم اصول و مبانی جوانمردی به همه جنبه های زندگی، روابط انسانی را حال و هوایی از محبت و دوستی بخشیدند؛ بدین نحو سرمایه گرانبهایی از عشق و محبت و کفّ نفس و خویشتن داری و مدارا و گذشت برای ما به یادگار گذاشتند. سرمایه های که برای امروز و فردایمان بسیار کارآمد است و در جهان کنونی همگی سخت بدان نیازمندیم زیرا خردمندان جامعه بشری معترفند که انسان امروز نیاز مبرم به آرامش و مدارا و تساهل و تسامح و تفاهم قلبی و تحمل دیگری دارد و در دنیای صنعت زده آژمند معاصر تجربه زندگی نشان داده است که پیشرفت علوم و فنون و صنایع و ارتباطات به تنهایی آدمی را به آن هدف های عالی و تعالی معنوی نمیرساند. جوامع بشری محتاج و مشتاق معنویت راستین هستند و آیین عیاری و جوانمردی که در اصل با اتکاء به فطرت نیک انسانی به وجود آمد به این نیاز انسان ها در هر دوره های پاسخ داده است.

«عیاران و فتیان، گذشته از وقف زندگی خود در راه جهاد با ظالمین و دشمنان خارجی ایران، پیوسته نری مراقب حال فقرا و ضعفا بودند. اگر دولتمردان و اغنیاء حقوق فرد یا افرادی را غصب می نمودند و در کمک به مستمندان قصور میکردند ایشان آنان را ابتدا به اعاده حق مردم و به دستگیری از درماندگان دعوت میکردند و چنانچه به این تذکر بی اعتنائی مینمودند اگر ممکن بود به جبر از او می گرفتند و در غیر این صورت به روش خویش شبانه به حصار خانهاش وارد میشدند و بعد از تراشیدن

ریش و سبیل آن دولتمند، وجوه هنگفتی از وی دریافت میکردند و از راهی که آمده بودند باز میگشتند و آن پول را به صاحبانشان بر میگرداندند و یا به سراغ فقرا میرفتند و همه را میان ایشان تقسیم می کردند» (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۱۲۴).

آنان توده‌های برخاسته از سطوح پایین و عامه جامعه عصر خود بودند اما به دلایلی که تا اندازه‌های ذکر آن‌ها رفت تأثیر و انعکاس منش و اندیشه آنان در تاریخ حیات سیاسی، فیهنگی و اجتماعی کشور شگفت انگیز است. بفشکلی که علاوه بر تأثیری که در زندگی عامه مردم گذاشته بودند و همواره به شکل آرزو و آرمانی در دل و ذهن جوانان در آمده بودند؛ در زندگی پادشاهان نیز علاقه و تمایل زیادی به جوانمردی به چشم میخورد. از جمله ایشان «امیر زیاری-کیکاوس بن اسکندر، شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی و کریم خان زند» (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۱۲۵) را می توان نام برد. ه همچنین در حل و عقد امور مملکت و عزل و نصب پادشاهان و فرمانروایان سهمی به سزا داشته‌اند و حتی کسانی از میان آنان چون «یعقوب لیث صفار» به امارت و فرمانروایی رسیده‌اند. گذشته از اینها در کتاب های تاریخی (تاریخ سیستان، تلویخ ابن خلدون)، صوفیان (اسرارالتوحید، طبقات الصوفیه، مرصادالعباد و...)، سفرنامه ه ا (سفرنامه ابن بطوطه) و... اگر چه نه به صورت مستقیم، به عنوان مهمترین طبقات اجتماع معرفی کرده شده اند.

اما نکته بسیار مهم و جالب توجه در مورد جوانمردان و اعمال و مرام ایشان که همواره جنبه فداکاری و از خودگذشتگی و خرق عادت داشت و توجه مردم را به خود جلب می کرد و اعجاب و تحسین آنان را برمی انگیخت، ه الهای از افسانه ها و داستانهای نغز و سرگذشت های دلکش و حکایت های شیرینی است که توسط مردم، رقّالان و قصه گوینان راجع به آنان از آغاز پیدایی تا زمان انحطاط شان ساخته و پرداخته شده است.

غرض از پرداختن به این مطالب این بود که گفته شود، عیاران همانگونه که عدهای اعتقاد دارند یک پدیده و یا دارودسقف نبودند که مانند قارچ در لابه لای هرج و مرج های اجتماعی برویند و دوباره پایمال شوند، بلکه ناجیانی بودند که در تمام مراحل تاریخی، فیهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران، از زمان شکل گیری تا کنون با رسالت و اصالتی که برای خویش قائل بودند، همواره از مفاهیم شناور و نام های دیرآشنا در فرهنگ ما به شمار رفته اند و دریغ است که اکنون نیز به باد فراموشی سپرده شوند.

## تعریف مسأله:

ادبیات داستانی آینه تمام‌نمایی است که می‌تواند به خوبی منعکس‌کننده اوضاع هر عصری باشد. به طریق اولی این بازتاب در داستان‌های عامیانه که در بطن جامعه شکل می‌گیرند، دارای وضوح بیشتری است. ما می‌توانیم اوج و افول یک فرهنگ و ایدئولوژی را در ادبیات و داستان‌های خلق شده در عصر آفرینش آن اثر بباییم. بازتاب و انعکاس عیاران به عنوان یکی از مهمترین و پایاترین گروه‌های اجتماعی ایران در داستان‌ها و قصه‌های عامیانه که ساخته و پرداخته ذهن وقاد نقّالان، قصاصان و مردم بوده‌اند، مسأله‌ای شگفت و انکار‌نشدنی است. نفک این گونه قصه‌ها عیاران هستند؛ تمام مضمون و محتوای این قبیل داستانها چیزی جز شیرین‌کاریها و شرح اعمال عجیب و غریب عیاران نیست؛ به جرأت می‌توان گفت داستانی ازین دست نمیتوان یافت که در آن شاهد حضور جوانمردان یا شرح اعمال جوانمردانه نباشیم. اگر چه این داستان‌ها با میزان زیادی از تخیل و مبالغه داستان پردازان بافته و تنیده شده‌اند، اما غنیتین و سرشارترین منابع برای مطالعه و تحقیق در باب عیارانی که زندگی شان در پرده - ای از ابهام باقی مانده است به شمار می‌آیند و آنان را باید در ردیف مدارک روشن‌کننده زندگی عیاران قرار داد.

واضح است که این میزان تأثیر بر فرهنگ عامیانه و به ویژه بر داستان‌های فولکلوریک که بخش قابل توجهی از فرهنگ کلامی و عامیانه را به خود اختصاص داده‌اند، نشان از اهمیت اجتماعی و فرهنگی عیاران بر جامعه و فرهنگ ما ایرانیان است. چنانکه در بعضی از داستان‌ها چون «سمک عیار»، «داراب نامه»، «خاور نامه»، «اسکندر نامه»، «امیرارسلان»، «رموز حمزه» و... تمام یا بیش از نیمی از کتاب مختص شرح کارهای عیاران است. اما آنچه این داستان‌ها را از هم متمایز می‌کند، میزان یا نوسان حضور آنان در طی قصه‌هایی است که در زمان‌های مختلف گفته شده‌اند، و این مسأله مرتبط است با تحولات اجتماعی و تغییر نگرش مردم نسبت به عیاران، و فراموشی پایگاه و جایگاه آنان در دل و دیده مردم و اجتماع. مثلاً در داستان «سمک عیار» که مربوط میشود به دوران قدرت و شکوفایی عیاران، نقش اصلی و محوری را عیاران دارند اما در «اسکندر نامه» که در دوران ضعف آنان پرداخته شده است، عیاران نقش کم‌رنگ تری دارند و جوانمردی و بزرگواری، آنگونه که در «سمک عیار» موج می‌زند در این داستان درخشش ندارد.

آنچه ابتدای امر در این پایان‌نامه اساس هدف ما قرار گرفت، بررسی و تحلیل هر چه بیشتر تاریخ تحولات و سیمای عیاران به عنوان مهمترین و مؤثرترین گروه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور

در گذر زمان و دوره های مختلف بود؛ اما از آن جایی که به زعم عده های از عزیزان به عنوان رساله زبان و ادبیات فارسی از آن دفاع خواهد شد، سعی بر آن شد که مطالب را تخصصیتر کرده و تأثیر عیاران را در فرهنگ عامیانه به ویژه داستان های فولکلوریک مورد بررسی قرار دهیم و ویژگی ها و الگوی داستان های عیارانه که رمانس نامیده می شوند را ارائه دهیم. برای نیل به این هدف بایسته بود به معرفی و توصیف مختصر عقاید و آراء سیاسی، اهداف، آداب و رسوم، سببهای ظاهری و... آنان که به صورت مکرر در داستان ها نمود پیدا کرده است پردازیم. افزون بر این مطالب، داستان «امیر/ارسلان نامدار» از این منظر که مظهر رمانس های عامیانه ای است که در زمان ضعف و مرگ نسبی عیاران گفته شده است و به این لحاظ حضور و نقش عیاران در قصه متفاوت است و سبک و تکنیک داستان پردازی آن متمایز با داستان های هم گروه خود است، انتخاب گردید و عناصر داستانی آن مورد بررسی قرار گرفت.

## سؤالات تحقیق:

- ۱-خاستگاه و مبدأ خیزش نهضت عیاران کجاست؟
- ۲- بازتاب حضور عیاران در داستانهای عامیانه چگونه و تا چه اندازه است؟
- ۳-نوع ادبی داستانهای عامیانه های که دارای مضامین عیاری هستند چیست و چه ویژگی هایی دارند؟
- ۴-آیا داستان امیر ارسلان را می توان در زمره داستانهای عیارانه به حساب آورد؟
- ۵- دلیل شهرت و محبوبیت داستان امیرارسلان در کوتاه زمان چه بوده است؟

## فرضیه ها:

۱- علی رغم اعتقاد گروهی که سرزمین های عرب نشین را مبدأ و خاستگاه عیاران به شمار آورده‌اند، با ارائه دلایلی متقن می توان اثبات کرد که عیاران از زمان ایران باستان در ایران وجود داشته‌اند و این آیین ازین سرزمین به کشورهای دیگر منتقل شده است.

۲- میزان حضور عیاران؛ افکار، اعمال، ابزار و... آنان در این داستانها مایه شگفتی است و هیچ داستانی از این دست نمیتوان یافت که در آن نمودی از ایشان نباشد. البته این مسأله به زمان پرداخته شدن قصه ها نیز بستگی دارد که مثلاً در چه دوره تاریخی از عیاران گفته شده باشند.

۳- داستانهای عامیانه با محتوای عیاری، معمولاً دارای موضوعی عاشقانه نیز هستند و این داستانهای تلفیقی را که جهان باعظمت شوالیه گری را با حوادث شورانگیز عاشقانه به نمایش می گذارد **رمانس می** نامند و دارای ویژگی های ثابت و قراردادی هستند.

۴- بلوجود پرداخته شدن داستان در زمان انحطاط عیاران و نبرد نام مستقیم از آنان، اما هم قهرمان داستان عیارمرد است و هم مضمون قصه عیارانه است و در واقع امیرارسلان مظهر قصه های عیارانه است.

۵- ظاهراً دلیل شهرت امیرارسلان، هم به خاطر متفاوت بودنش از سایر داستانهای عامیانه، به جهت پرهیز از تکرار مکرراتی که دائماً در داستان ها شده بود ، است و هم به لحاظ سبک و تکنیک داستان پردازیِ راوی.

## پیشینه تحقیق:

درباره اخلاق فتوت و آیین جوانمردی ، پژوهشگران و نویسندگان داخلی و خارجی، مقاله ها و کتاب های متعددی نوشته اند. ازین رویکرد اخلاقی در متن های صوفیانه همچون *رساله قشیریه*، *کشف المحجوب*، *اسرارالقی حید* و از همه بیشتر در *طبقات الصوفیه* سخن رفته است.

دانشمندان و پژوهندگان معاصر نیز متأثر از جذبه های اخلاقی، اجتماعی جوانمردان و اهل فتوت، تحقیقات ارزشمندی را ارائه نموده، هر کدام از آن ها این رویکرد عرفانی را از منظرها و زوایای مختلفی بررسی و ارزیابی کرده اند؛ به عنوان نمونه «محمدجعفر محجوب» در مقدمه «فتوت نامه سلطانی»، خاستگاه سیاسی تاریخی بروز این جریان را با تأکید بر نقش دولت عباسی بررسی کرده است. «عبدالحسین زرین کوب» در کتاب «جستجو در تصوف ایران» ربط و نسبت فتوت و ملامت را توضیح داده که در تکمیل پژوهشی ازین دست می توان «ملاطیه، صوفیه و فتوت» اثر «ابوالعلاء عقیلی» را ذکر کرد که به بیان موارد تشابه و اختلاف میان تعالیم و معانی اساسی تصوف، فتوت و ملامت پرداخته و ارتباط و پیوستگی فتوت و تصوف را تا ظهور ملاطیه آشکار نموده است.

در این میان مستشرقینی چون «هانری کربن» در کتاب *آیین جوانمردی*، «فوانتس تشنر» در مقاله «گروه فتوت کشورهای اسلامی» و «عبدالباقی گولپینارلی» در مقاله «فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ» توجه ویژه ای به این آیین ملی-میهنی داشته و به مقایسه، تحلیل و نقد فتوت نامه ها و دیگر تشکیلات فتیان در کشورهای اسلامی پرداخته اند.

«مرتضی صراف» در مجموعه ای تحت عنوان «*رسائل جوانمردان*» هفت رساله فتوت نامه را گردآوری کرده که با الهام از کار وی برخی دیگر از پژوهشگران چون «مهران افشاری» و «مهدی مدایینی» کتابی تحت عنوان «*چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*» را تصحیح و منتشر نمودند.

برخی از نویسندگان نیز نقد و ارزیابی صوفیه و فتیان را موضوع پژوهش قرار داده اند که ازین میان به «تصوف و تشیع» اثر «هاشم معروف الحسنی» و «نقد صوفی» اثر «محمد کاظم یوسف پور» می توان اشاره کرد.

از میان آثار نویسندگانی که در این زمینه کار کرده اند، مکتوباتی که گزارش نسبتاً جامعتری را از ماهیت، آداب و رسوم، سیر تحولات تاریخی-سیاسی و تأثیرات فرهنگی-اجتماعی فتوت و عیاری ارائه مینمایند، می توان به «فتوت نامه ها و رسائل خاکساریه»، «آیین جوانمردی و تأثیر منش عیاری بر تصوف و آیین ملاطیه» از «مهران افشاری» و «شهر سمک» و «مقدمه سمک عیار» و سلسله مقالات «آیین عیاری» از آثار مرحوم «پرویزخانلری» و مجموعه مکتوبات شادروان «محمدجعفر محجوب» در زمینه فرهنگ عامیانه و جوانمردان- که در این زمینه بسیار عالمانه و راه گشا هستند- اشاره کرد.



پایان نامه ها و رساله هایی نیز در این زمینه نوشته شده اند که تحت این عناوی ن از آنان دفاع شده است:

۱- آیین فتوت، ریحانه روحانی، دانشگاه یزد، ۱۳۷۵.

۲- عیاری و حکایت های عیاران تا قرن ۱۰، مرتضی آشجردی، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۹.

۳- فتوت در عرفان از علی کریمی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۷.

۴- بررسی پدیده فتوت و علل توجه خلیفه الناصربه آن، عبدالرزاق سیادت، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹.

۵- کارکرد آیین فتوت در دوره ایلخانان، محمدمین نوروزی، دانشگاه لرستان، ۱۳۸۲.

اما آنچه که در اکثر کتاب ها و پایان نامه های ذکر شده جلب توجه میکند این است که در آنان عیاران و فتیان دو گروه جدا از هم هستند و در نتیجه به آیین فتوت که به زعم ایشان صورت اسلامی شده عیاری است بیشتر پرداخته اند و آن را به بعد از اسلام و مربوط به اعراب دانسته و از اصل و ریشه فتوت که البته چیزی جز صورت تغییر یافته عیاری نیست غافل مانده اند. در این تحقیق با ارائه دلایل اثبات شده است که این آیین ابداع و ابتکار ایرانیان آن هم در زمان باستان بوده است و فتوت صورت تعدیل شده عیاری بعد از آمیخته شدن آن با تصوف است. نکته دیگری که جزء جنبه های نوآوری در این پژوهش به شمار می آید، بررسی تأثیر آیین و منش عیاران بر داستان های عامیانه است. همچنین پرداختن به داستان امیرارسلان به عنوان مشهورترین رمانس عامیانه ای که تاکنون به غیر از تحقیقات و مقالات عالمانه «محمد جعفر محجوب» و «غلامحسین یوسفی» در مورد آن تحقیق جامعی به انجام نرسیده است.

## روش تحقیق:

داده ها از طریق روش کتابخانه ای به صورت فیش برداری جمع آوری شده ، روش تحقیق توصیفی -تحلیلی و به لحاظ نوع بنیادی میباشد. لازم به توضیح است که در طول متن لام کتب به صورت ایتالیک داخل گیومه، اسامی خاص داخل گیومه و نکات جالب توجه و جدید به صورت برجسته، آمده است.

## فصل اول:

# تاریخچه آیین عیاری

گر با همه‌های چو بیمنی بی همه‌های

ور بی همه‌های چو با منی با همه ای

«مولوی»

## ۱-۱ معنای لغوی عیار:

عیار در لغتنامه‌ها و فرهنگها معانی متفاوت و گاه نامتناسبی دارد؛ در فرهنگها و لغتنامه‌های عربی با توجه به صورت ظاهر «عیار» که به شکل صیغه تام و تمام مبالغه و دارای فاء‌الفعلی از حرفهای خاص عرب «ع» است، واژه‌های عربی و از ریشه عار- یعیر- عیراً و عیراناً آمده است و آنرا به صورت «بسیار رفت و آمد کننده، دونده، چالاک، گردشگر و ولگرد» (کلیه منابع) معنا کرده‌اند.

مسأله قابل تأسف و تأمل برانگیز اینکه، در فرهنگها و لغتنامه‌های فارسی بدون هیچ تحقیق جامع و کاملی و بدون توجه به اصل و ریشه کلمه و به دلیل عدم روحیه انتقاد و حاکم بودن فرهنگ بیچرایی، ترجمه و برداشتی تقلید گونه از توضیحات لغت نویسان عرب ارائه داده‌اند و جز در یک دو مورد اضافه «دزد و راهزن- داغول و محیل» عیناً جملات لغتنامه نویسان عرب را ترجمه کرده‌اند؛ اما صاحب نظران و محققان بزرگ ایرانی با ارائه دلایلی محکم و متقن پرده ابهام را در مورد ریشه واژه «عیار» کنار زده و آن را کلمه‌های فارسی دانسته‌اند، و معتقدند که این کلمه از اصل پهلوی آن به زبان عربی راه یافته است و در مشتقات و خویشاوندان این کلمه در فرهنگهای مفصل عربی معنایی که مناسب آیین عیاری باشد یافت نمیشود.

«درست همانگونه که مصدر وزارت و کلمه وزیر که ظاهراً به صورت و بر وزن صفت مشبه عربی از وزارت است، به هیچ روی با ریشه وزر به معنی گناه و بار کوچکترین تناسبی ندارند و پس از تحقیق معلوم می شود که کلمه وزیر اصلاً عربی نیست و ایرانی است و پیش از اسلام وارد زبان عربی شده است و در قرآن کریم نیز آمده است و سپس ظاهراً مصدر وزارت و صیغه جمع مکسر وزرا و سایر مشتقات آن در عربی بر طبق قواعد صرف عربی از کلمه وزیر ساخته شده است؛ یا کلمه جناح به ضم اول که به هیچ روی با کلمات مشابه خود در عربی از نظر معنی مناسب نیست و بعد مشخص میشود که این کلمه معرب «گناه» فارسی است و به همین معنی هم در عربی به کار رفته است» (محبوب، ۱۳۸۳: ۹۵۶).

به نقل از «محبوب» برای نخستین بار «ملک الشعراى بهار» در یادداشت های شخصی خویش که متأسفانه در جایی به چاپ نرسیده است این نکته را یادآور شد که اگرچه واژه «عیار» در زبان عربی معنا و مفهوم دارد اما این واژه که بر گروهی از جوانمردان ایرانی اطلاق گردیده است، عربی نیست بلکه در اصل از لغت «آیار» پهلوی است که آن را «اذیوار یا اذی یار» نوشته و «اییار» به تشدید خوانده اند و به آخر «آیار» و در زبان دری «یار» به حذف الف گفته اند (همان: ۹۵۷)؛ و تبدیل «ذ» به «ی» در تحول زبان - های ایرانی موارد و نظایر بسیار دارد که میتوان به صورتهای «آذین» و «آیین» اشاره کرد. «خانلری» نیز تغییر شکل و دگرگونی «اییار» پهلوی را به «عیار» امری طبیعی و تابع قانون تحول زبان میدانند چراکه «ایاره» به معنی بازوبند در سمک عیار به صورت «عیاره» آمده است (خانلری، ۱۳۶۴: ۶۹). در ترجمه فارسی کهن قرآن موسوم به قرآن قدس، واژه «یار» به صورت «ایار» نوشته شده است؛ همچنان که «یاد» به صورت «ایاد» به کار رفته است، نظیر ایار پهلوی (یار سفر)، ایاران سوراخ (اصحاب کهف) و ایاران دست راست (اصحاب یمین) (رواقی، ۱۳۶۴: صص ۳۳-۱۸۵-۳۶۱).

از دیر باز نیز واژه «عیار» در زبان و ادب فارسی به صورت اسم خاص یا صفت محبوب و معشوق بهکار رفته است؛ چنانکه در آثار سخنوران بزرگ ایرانی بارها با تعبیراتی چون «بت عیار و دلبر عیار» مواجه میشویم و بسیار بعید است که شاعر یا نویسندگانی معشوق و دلبر خود را با صفتی آنچنان که در فرهنگها و لغتنامه های عربی آمده است، همچون بسیار دونده، ولگرد و آمدوشد کننده وصف کند.

با توجه به آنچه که تاکنون گفته شد بر ما روشن میشود که واژه «عیار» به معنی «یار»، با اصل رفاقت، اخوت و یاریگری عیاران تطابق کامل دارد؛ آوردن کلمه «رفیقی» در کتاب سمک عیار در بیان حال جوانمردان و شادبخوردن آنها (خوردن قدح می هنگام ورود به جرگه عیاران) دلیل دیگری است بر منطبق با واقع بودن نظر بهار و سایر محققان و تأکید بر فارسی بودن کلمه «عیار» و همسانی این واژه با کلمه «یار» که مترادف رفیق است.

## ۲-۱ معنای اصطلاحی عیار:

عیاران مردمی شجاع، گریز، جنگجو، عدالت طلب و آزادی خواه بودند که در پی ایجاد تساوی و عدالت، بدون رعایت قوانین و مقررات حاکم بر جامعه با اتکا بر زیرکی و چالاکی خود بودند و همواره برای رسیدن به آرمانهای خود در جنگ و گریز با حاکمان محلی و در پاره‌های موارد با خلافت اسلامی